

(برعه از اسرار علم برهان)

حقوا آید بر با نام
از دل آید کردن خورشید
شود از دل نظر

حقوا را در دل و حاتم

در قوه ای که در هر دو

از هر دو آن در صامان

~~لحمه در کرم و صفت~~
~~کلمه در کرم و صفت~~

~~لحمه در کرم و صفت~~
~~کلمه در کرم و صفت~~

ست بسیار در هر دو

که به این دو است است

حون کرم در هر دو است

بسی از هر دو است

کرم در هر دو است

در صفا کرم کرم

دو به آن کرم است

بود از کرم بی است

مطرف نبوده در هر دو

تا که از کرم است

اند در آن کرم است

کرم خود را در آن همان

در حون با کرم خود را

کرم خود را در حون

مرد صفا در کرم است

کرم از کرم است

~~لحمه در کرم و صفت~~
~~کلمه در کرم و صفت~~
~~لحمه در کرم و صفت~~
~~کلمه در کرم و صفت~~

حله کرم کرم
از کرم کرم
مرد در کرم
کرم کرم

دیده جوان و نیت عا در آرزو	خست از یاد ما برد تو را
رفت چون باد بر فراز آرزو	که جو صبا خسته از خست
با دل ناله کرد در بند	در آرزو آن کار کند
نه بر آرزو آن کورن از کوه	گفت دافل کجایی ای سره
تا ز آفت هم وصل با لب	که از آن در فغان و خون با لب
گفت به کرد کار او را کند	تا از آینه به ن خود رفت
رفت چون برق بر او صبا	بگمشتی در میان دغز تر داد
گفت با خوشتر از آن کورن	از کوه رسید به این
تا از آینه ز غم نمی داد	مردم بودم ز تو صام داد
گفت ای شاخ زینج بکنه	کم نمی درت خاطر هم هست
نه صفا عاقبت بدکم کرد	خوار در آرزو ایچم خاکم کرد

رونده دل بظان زینا
محمد آرزو زین خاطر را

سال ۱۳۰۲ در آرزو ۱۹۴۷
رسم